یادداشت

آقای رئیس‌جمهور، جامعه زنان به کابینه مردانه شما، نه می‌گوید

پردیس عامری
پژوهشگر اجتماعی، فعال زنان

● آنچه این روزها میان انواع اخبار و اطلاعات، از اختلاس‌ها تا موفقیت، دعواها بر سر عزل و نصب‌ها، ترمیم کابینه و تکرار مداوم نوار اقدامات دولت در حوزه‌های مختلف به‌نفع مردم و برای مردم، به صورت آشکاری مشاهده می‌شود، هضم موجودیت و هویت اجتماعی و سیاسی زنان در این تعبیرات مختلف از ملت و مردم است. اگرچه همچنان عده‌ای بنا به عادت این سال‌های اخیر همچنان می‌گویند که دولت در شرایط حساس است و باید مراعاتش را کرد و سخنانی از این دست، اما نباید از یاد برد که دولت فعلی که با نام اعتدال بر سرکار آمد، در حساس‌ترین شرایط یعنی در زمان انتخابات سال۱۳۹۲، با شعارهایی بزرگ درباره زنان رأی آورده و آغاز به کار کرده است. رئیس دولت اعتدال، توانست رأی زنان را به عنوان نیمی از همین مردم با وعده‌هایی بزرگ و خاص زنان به دست آورد که امروز چنانچه می‌بینیم، حتی اشاره‌ای جداگانه به زنان نمی‌شود و در اصل، خبری از تحقق وعده‌ها در مقیاس‌های کوچک‌تر هم نیست! از تشکیل وزارتخانه زنان تا برقراری عدالت در استخدام‌ها، آموزش و شایسته‌سالاری گرفته تا شعار تساوی‌انگاری زنان و مردان از سوی رئیس فعلی دولت در زمان انتخابات به زنان وعده داده شد. حال گرچه در ماه‌های پایانی دولت اعتدال هستیم اما همچنان می‌بینیم نه‌تنها زنان به‌جز معدود و انگشت‌شماری از میان خودی‌های همیشگی بر سر کار هستند، بلکه زنان توانمند کشور نه‌تنها به مناصب عالی سیاسی و اجرائی وارد نشده‌اند بلکه به‌درستی معرفی و شناسایی هم نشده‌اند یا نادیده گرفته شده‌اند. تاجایی‌که دیگر رمق و انگیزه‌ای باقی نمانده که حتی به صورت جدی مردم ایران از رئیس‌جمهور خواستار تحقق وعده مشارکت عمومی مردم و ورود زنان به کابینه باشند. دراین‌میان و در کمال تأسف آنچه بارز است -مثل برخی دیگر از موارد اخیر حوزه زنان- بی‌تفاوتی دولت و سکوت مسئولان یا پشت‌گوش‌انداختن تحقق وعده حضور زنان در مناصب عالی به بهانه ناتوانی آنهاست؛ نه اعتراف بر سعی و تلاش‌نداشتن برای شناسایی زنان مستقل توانمند که قطعا در ایران کم نیستند و شاید چون در بازی‌های سیاسی و حزبی به‌ویژه در شهرستان‌ها، راه داده نشده‌اند، دیده نشده‌اند. گرچه در روزهای اخیر، فعالان زنان و فعالان اجتماعی تلاش می‌کنند نگذارند دولت شانه خالی کند و هشتک #نه - به- کابینه- مردانه- اعتدال را ره اندازی کرده‌اند، اما بازهم آنچنان که باید همراهی و مطالبه عمومی در این راستا دیده نمی‌شود و این جای تعجب دارد که این مسئله به یکی از دغدغه‌های عمومی و ملی ما بدل نشده است؟ قدرت‌های سیاسی یا با زور و ارعاب یا با جذب اقبال نیروهای مردمی، همواره توانسته‌اند پایدار بمانند و مگر رئیس دولت فعلی، دکتر حسن روحانی، مسیر دیگری سراغ دارد برای جلب آرای زنان در انتخابات دوره بعدی خود؟ تنها یک راه برای جلب رأی زنان و کسب رضایتمندی آنها برای دولت معروف به اعتدال فعلی وجود دارد تا در دوره بعد باز هم قادر باشد رأی نیمی از جامعه را کسب کند و به کارش ادامه دهد.

اداامه در صفحه ۱۷

درباره عقب‌نشینی زبان فارسی در برابر واژگان بیگانه

فکولته دانشکده شد، سیب‌زمینی پوتیتو

صدرا محقق

بیاید گاسیپ کنیم، کفش واکینگ خریدم، از گروه لفت دادم یا جوین شدم، رفتم مال، لباس خریدم، تکست بده، تایمش خوب نیست، بیاید امشب فان داشته باشیم. می‌توان این مدل جمله‌ها را تا ۱۰، ۲۰پاراگراف دیگر ادامه داد. جملاتی که «صرف و نحوش فارسی است و لغاتش انگلیسی» و این روزها در شبکه‌های اجتماعی و گفتار روزانه بسیاری از جوانان و نوجوانان و حتی بزرگسالان، شنیده می‌شوند.

شاملو در سال‌های ۶۸ در سفر آمریکا، در یک سخنرانی در دانشگاه برکلی، در جمع ایرانیان به موضوعی اشاره کرد که به تعبیر خودش: «اضمحلال هویت ملی ما» و از سر نگرانی برای «فرهنگ ایرانی و زبان مادری نسل دوم مهاجران ایرانی» به آمریکا بود. ۲۸ سال از آن تاریخ گذشته است و حالا همان چیزی که شاملو برایش ابراز نگرانی کرده بود، همین‌جا، در خود ایران، فراگیر شده است.

ردپای این وضعیت را نه فقط در فرهنگ نوشتاری و گفتاری نسل جدید که در کوی و برزن، شهرها و حتی روستاهای کشور هم می‌توان دید. برای یافتن نمونه‌های دم‌دستی و همه‌جا حاضر، می‌توان سری به کافه‌ها، رستوران‌ها و ساندویچی‌های شهر زد (نکته اینکه هر سه این مکان‌هایی که نام بردم، خود عناوینی غیرفارسی دارند)؛ جایی‌که مِنو (فهرست غذا) این مکان‌ها پر است از اسم‌ها و عبارت‌های ناشناخته و غریب غیرفارسی؛ حتی برای واژه‌ها و نام‌هایی که فارسی آنها، فراگیر، آشنا و واضح است.

جای چای معمولی و سیب‌زمینی سرخ شده و پیاز حلقه‌ای و قارچ سرخ‌شده، می‌نویسند بلک‌تی، فرنچ فرایز و انیون رینگز و کریسپی ماشروم. وضع نام‌ها هم به همین منوال است، اسطوخودوس شده است لوندر و گوجه، تومیتو و سیب‌زمینی، پوتیتو و... . به‌غیر از فهرست غذاها در تابلوها، اسامی و عناوین مغازه‌ها هم در بیشتر مراکز خرید و فروشگاه‌های کشور، دیگر خبری از زبان نوشتاری فارسی ندارد و تقریبا همه‌چیز به انگلیسی است. چندی پیش بود که رضا کیانیان - بازیگر سینما و تلویزیون - عکسی را در اینستاگرام خود گذاشت و درباره آن نوشت: «وقتی به یک فروشگاه ایرانی رفتم و دیدم بیرون و داخل فروشگاه یک کلمه فارسی نیست و همه‌چیز را به انگلیسی نوشته‌اند؛ یعنی یک برند تجاری ایرانی این اندازه از زبان و فرهنگ خودش بیزار است؟»

شاملو حدود ۳۰ سال پیش وقتی در آمریکا برای زبان و فرهنگ فارسی مهاجران ایرانی ابراز نگرانی می‌کرد و مقداری هم از این وضعیت عصبانی بود، به احتمال زیاد فکرش را هم نمی‌کرد چند سال بعد در پایتخت کشور، همان بلا به شکلی بدتر نمایان بشود و زبان و هویت فارسی ما هر روز بیشتر و بیشتر، عقب‌نشینی کند.

شاملو چه گفته بود؟

متن صحبت‌های احمد شاملو که در کتابی از انتشارات مازیار و با نام «روزنامه سفر میمنت اثر ایالات متفرقه امریغ» که در واقع سفرنامه غیرشخصی احمد شاملو به آمریکاست و در سال‌های ۶۸ و ۶۹ نوشته شده است، سال ۹۳ در ایران منتشر شد. متن آن سخنرانی که در ابتدای آن شاملو سفرنامه‌ای «از زبان یک پادشاه فرضی، احتمالا از طایفه منحوس قاجاریه» را به زبان طنز روایت می‌کند، به این شرح است:

«علت اینکه این تکه از سفرنامه رو برای شما خوندم، به خاطر موضوعی است که من واقعا گفتنش زبونمو می‌سوزونه و پنهان‌کردنش مغز استخونمو. منظورم موضوع بسیار دردناک اضمحلال هویت ملی ماست. فرهنگ ایرانی و زبان مادری نسل دوم مهاجران، یعنی فرزندان شما، که فکر کردم چون فرصت بهتری پا نخواهد داد، امشب محضر شما رو ضمنا برای مطرح‌کردن این موضوع هم غنیمت بشمرم. در کشورهای اروپایی مطالعه‌ای ندارم، اما فقط یک نگاه گذرا به وضع زبان فارسی ایرانی‌های مهاجر آمریکا، برای پی‌بردن به عمق فاجعه کافیست. وجه غم‌انگیز این مشکل، موقعی آشکارتر میشه که توجه کنیم زبان فارسی حتی در جریان ایل‌قارهای گوناگون و درازمدت اعراب و مغول‌ها و ترک‌ها و ترکمن‌ها، هرگز خم به ابرو نیاورد. و اقوام غیرفارس‌زبان محدوده جغرافیایی ایران، مازندری، گیلک، آذربایجانی، لُر، کُرد، عرب، بلوچ، ترکمن، حتی کوچیدگان و کوچانیدگان ارمنی و آسوری، حتی آنهایی‌که به‌طور مستقیم زیر فشارهای حکومت مرکزی، از سرودن و نوشتن به زبان بومی خود ممنوع بوده‌اند هم، توانسته‌اند با چنگ و دندان دست‌کم زبان شفاهی خودشون رو حفظ کنند.

اما امروزه متأسفانه باید بپذیریم و در کمال خجلت و سرشکستگی اعتراف کنیم که نسل دوم مهاجران دهه حاضر، حتی زبان مادری‌شان را نمی‌دانند. و اگر اقدام عاجلی صورت نگیرد، با این سرعتی که بحران هویت گریبانگیر این نسل بی‌شناسنامه شده، ایران باید میلیون‌ها تن از این فرزندان خود را به‌کلی ازدست‌رفته تلقی کند.

همین‌جا بگویم که در این فاجعه، نسل دوم هیچ گناهی ندارد، گناهکار نسل اوله. امیدوارم تلخی حرفم رو به رُکّ و راستیش ببخشید. گناهکار اصلی، پدرها و مادرها هستند که قبل از بچه‌ها، باید فکری به حال هویت‌شون بکنند. اونا حتی توی محیط خونه هم، به قول آقای اسماعیل فصیح، فارگلیسی اختلاط می‌کنند. یک زبان حرامزاده‌ای که صرف‌ونحوش فارسی است، لغاتش انگلیسی. واقعا که حال آدمو به هم می‌زنه. من نمی‌دونم بدون فرهنگ و زبان و هویت ملی، اصلا چه جوری میشه زندگی کرد؟ چه جوری میشه سر خود رو بالا گرفت؟ چه جوری میشه توی چشم همسایه نگاه کرد و گفت من هم وجود دارم؟

میشه یکهو این یه دونه دندون لق پوسیده رو هم کَند انداخت دور، و به کلی انگلیسی حرف زد. حالا چرا باید فارسی رو با انگلیسی این‌جوری مَلغَمه بکنن، فارسی انگلیسی با هم بلغور بکنن؟ چرا هم انگلیسی رو خراب می‌کنند، و هم فارسی رو؟ مگر به همین سادگی میشه یک هویت عمیق چندهزارساله رو، در عرض چند سال تا پاپاسی آخر باخت؟ میشه به همین مفتی، یک فرهنگ چندهزارساله رو که اون‌همه نام درخشان پشتش خوابیده، یک شبه ریخت توی زنبیل آشغال، گذاشت پشت درب که سپور برداره ببره؟ به‌هرحال، اونچه که می‌خواستم... اونچه می‌خواستم عرض کنم، این بود».

فهرست غذای یک رستوران در تهران

> **زبان فارسی زمانی نه چندان دور از دربار عثمانی در غرب تا میان پادشاهان هندوستان در شرق و... زبان دیوانی و زبان علم و دانش بوده، بدون شک امروز هم با همکاری و همراهی ما توانایی بازسازی و پویایی را دارد. هزینه‌اش کوتاه‌آمدن در برابر این وادادگی عجیبی است که خیلی‌هایمان در برابر واژگان غربی داریم**

چه شد که این‌طور شد؟

یکی از کاربران در توییتر، چندی پیش نوشت: «کلوچه‌ها کی کوکی‌شدن؟ کیک‌یزدیا کی کاپ‌کیک شدن؟ لقمه‌ها کی ساندویچ شدن؟ وحشتا کی پنیک شدن؟ عزیزا کی Baby شدن؟ صورتا کی فیس‌شدن؟»

پرسش دراین‌باره که چه شد که این‌طور شد و از کی این‌طور شد؟ احتمالا ما را به جواب‌ها یا تحلیل‌های زیاد و متنوعی می‌رساند. البته پیشینه تلاش‌ها برای حفظ زبان فارسی در برابر سیل واژه‌های وارداتی و جدید مربوط به امروز و دیروز نیست.

در قسمت تاریخچه تارنمای فرهنگستان زبان فارسی دراین‌باره آمده است: «انجمن‌های ادبی دوره قاجار، پیش‌گامان معادل‌سازی برای واژه‌های فرنگی بوده‌اند که این امر بعدها برنامه اصلی کار فرهنگستان اوّل شد... . پیش از تأسیس فرهنگستان ایران (فرهنگستان اوّل) در سال ۱۳۱۳، ابتدا وزارت معارف درصدد برآمد انجمن‌هایی متشکل از کارشناسان و ارباب فن برپا کند که آکادمی طبّی نخستین گام در این راه بود. جلسه‌های آن آکادمی با شرکت چند تن از پزشکان معروف و دانشمند برگزار می‌شد. معادل فارسی «فرهنگستان» در برابر واژه بیگانه «آکادمی» در این زمان انتخاب شد و سرانجام در ۲۹ اردیبهشت ۱۳۱۴ فرهنگستان ایران تشکیل شد. اعضای پیوسته فرهنگستان ایران عبارت بودند از: حسن اسفندیاری (محتشم‌السلطنه)، ملک‌الشعرا بهار، علی پرتواعظم، حاج سیدنصرالله تقوی، محمود حسابی، علامه دهخدا، غلامرضا رشیدیاسمی، صادق رضازاده‌شفق، غلامحسین رهنما، حسین سمیعی (ادیب‌السّلطنه)، عیسی صدیق، سید محمّدکاظم عصّار، محمّد فاطمی، بدیع‌الزّمان فروزانفر، ابوالحسن فروغی، محمّدعلی فروغی، عبدالعظیم‌خان قریب، حسین گل‌گلاب، سرتیپ غلامحسین مقتدر، سرلشکر احمد نخجوان، ولی‌الله نصر، سعید نفیسی، حسن وثوق. از اعضای وابسته فرهنگستان می‌توان از محمّدعلی جمال‌زاده، فخر ادهم، کریستین سن (دانمارک)، و هانری ماسه (فرانسه) نام برد. فضای سیاسی حاکم آن زمان، فرهنگستان را ناگزیر ساخت که بیشتر وقت خود را صرف انتخاب معادل برای اصطلاحات و واژگان خارجی کند. می‌توان گفت که فرهنگستان اوّل، بیشتر مهارکننده و بازدارنده بود تا سازنده. فرهنگستان ایران در بهمن ۱۳۱۵ نظام‌نامه‌ای برای بازبینی در اصطلاحات علمی تصویب کرد و در آن راه و روش و ضوابط معادل‌یابی را تعیین نمود. عملکرد فرهنگستان در این حوزه موفّقیت‌آمیز بود و نتایج مصوّبات آن از اقبال عمومی خوبی برخوردار شد. فرهنگستان اوّل، با پیشگیری به‌موقع از آفتی که به زبان فارسی روی آورده بود، وظیفه خود را ادا کرد. حاصل کار این فرهنگستان به‌تصویب‌رساندن ۲۰۰۰ واژه تا سال ۱۳۲۰ بود».

نمونه‌های موفق

بسیاری از واژه‌ها و اصطلاحاتی که در این سال‌ها به صورت رایج و فراگیر بین فارسی‌زبانان به کار رفته و جا افتاده‌اند، حاصل تلاش‌های فرهنگستان بوده است، واژه‌هایی مانند هواپیما، فرودگاه، دانشگاه، دانشکده، بیمارستان، دبستان و دبیرستان، مهدکودک، دادسرا و دادستان و دادگاه و... بااین‌حال در این سال‌های اخیر جاافتادن و فراگیرشدن واژه‌هایی که فرهنگستان ساخته است چندان موفق نبوده و بیشتر دستمایه جوک و لطیفه‌سازی در فضای شبکه‌های اجتماعی و رسانه و برنامه‌های طنز تلویزیونی شده است. واکنش‌ها و مقاومت در برابر این جایگزین‌سازی‌ها از همان سال‌های ابتدایی فعالیت فرهنگستان همیشه وجود داشته است.

تا دهه ۳۰ خورشیدی در درس‌های گیاه‌شناسی فارسی اجزای گُل نامشان پتال و سپال و پیلامنت و... بود، اما به پیشنهاد و پیگیری حسین گل‌گلاب، شاعر سرود «ای ایران»، نام‌های «گلبرگ» و «کاسبرگ» و «پرچم» رویشان گذاشته شد. در رشته فیزیک هم به پیشنهاد دکتر حسابی برای واژه‌های بیگانه عجیب‌وغریب جایگزین‌های فارسی زیبایی گذاشتند؛ مانند «گرانش»، «برهمکنش»، «چگالی»، «برایند نیرو»، «کشسانی» و...

به اینها اضافه کنید دانشکده و دانشگاه که فکولته و یونیورسیته بودند، زیردریایی هم تحت‌البحری بود، دانشگاه و دبستان و دبیرستان و بیمارستان و فرودگاه و هواپیما و بسیاری نام‌های دیگر که الان ما به آنها خو کرده‌ایم هم نام‌های فرنگی غریبی داشتند.

تلاش‌ها برای جاانداختن واژه‌های جایگزین فارسی البته کم نیست، اما هنوز آن‌طور که باید، به نتیجه نرسیده است؛ به‌عنوان‌مثال از ابتدای سال تحصیلی جدید، مدیران آموزش‌وپرورش تصمیم گرفتند در همه کتاب‌های درسی ازجمله زیست‌شناسی و... از واژه‌های پیشنهادی فرهنگستان فارسی استفاده کنند. برخی از واژگان جایگزین جدید اینها هستند: ریزاندام به‌جای میکرو ارگانیسم، قطبیده به‌جای پولاریزور، برون‌رانی به‌جای اگزوسیتول، میانک به‌جای سانتریول و کلی واژه دیگر که به نظر من زیبا و خوش‌خوان هستند.

این خبر البته خیلی زود واکنش‌هایی را در پی داشت، عده‌ای - از جمله معلم‌ها و پدر و مادرها - گفتند که مگر می‌شود نام و واژه‌های علمی و جهانی را عوض کرد و جایگزین‌های جدید برایشان گذاشت، برخی هم البته مثل همیشه واژگان جدید را دست انداختند و سوژه جوک‌های تلگرامی و توییتری کردند.

انتقاد و مسخره‌کردن جایگزین‌های جدید پیشنهادی برای واژه‌های بیگانه البته چیز جدیدی نیست، در زمان اولین تلاش‌های فرهنگستان فارسی برای جایگزین‌سازی که غول‌های بزرگ ادبیات فارسی آن دوره عضوش بودند هم، کسانی مثل صادق هدایت، نویسنده بزرگ و دیگران، در کار دست‌انداختن تلاش‌هایشان بودند.

ادامه در صفحه ۱۷

گزارش

مهاجرت‌های بین‌المللی در سال ۲۰۱۵: آمار و ارقام

سعیده سعیدی*

● سال ۲۰۱۵ میلادی به عنوان نقطه عطفی در عرصه مهاجرت‌های بین‌المللی قلمداد می‌شود. طبق آمار سازمان ملل متحد، تعداد مهاجران از ۱۷۳ میلیون نفر در سال ۲۰۰۰، به ۲۴۴ میلیون نفر در سال ۲۰۱۵ رسیده که این رقم بعد از جنگ جهانی دوم، بی‌سابقه بوده است. این به آن معناست که از هر ۲۸ انسان، یک نفر مهاجر است. دلایل متعددی در تشدید بحران مهاجرت و پناه‌جویی مؤثر هستند؛ ازجمله درگیری‌های مزمن در بعضی مناطق جهان، به‌ویژه در خاورمیانه و آفریقا، بحران منابع طبیعی مانند کمبود آب و همچنین تلاش برای دستیابی به رفاه و امنیت بیشتر برای خود و خانواده. درواقع دوسوم از مهاجران در جهان تنها در دو منطقه اروپا (۷۶ میلیون) و آسیا (۷۵ میلیون) ساکن هستند. البته لازم به ذکر است بیشترین میزان مهاجران در سه کشور ایالات متحده آمریکا (۴۷ میلیون)، آلمان (۱۲ میلیون) و فدراسیون روسیه (۱۲ میلیون) حضور دارند.

طبق گزارش کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد، در سال ۲۰۱۵ بالغ بر ۶۵.۳ میلیون نفر به علت جنگ و آزار و شکنجه از موطن خود آواره شده‌اند که در حقیقت از هر ۱۱۳ نفر یک نفر مورد بی‌جاشدگی قرار گرفته است. طبق بررسی‌های سازمان‌های جهانی، به طور میانگین در هر دقیقه، ۲۴ نفر به آمار آوارگان (داخلی و خارجی) افزوده می‌شود و آمار بی‌جاشدگان در سال ۲۰۱۵ به‌تنهایی با جمعیت سه کشور کانادا، استرالیا و نیوزلند برابری می‌کند که نشان‌دهنده وضعیت بحرانی ایجادشده در عرصه جهانی است و این تعداد، در حقیقت به اندازه جمعیت بیست‌ویکمین کشور جهان است.

از این تعداد، ۴۰.۸ میلیون نفر شامل آوارگان داخلی است که به دلایل فقر، ناامنی، جنگ داخلی و ترس از شکنجه و تعقیب مجبور به ترک خانه و کاشانه و آوارگی در کشورشان هستند. بالغ بر ۲۰ میلیون آواره، خارجی (پناهنده) هستند و زنان بیش از ۵۰ درصد از این جمعیت را در برمی‌گیرند. همچنین در این سال، بالغ بر صد هزار کودک بدون سرپرست که به صورت انفرادی راه پرخطر پناه‌جویی را طی کرده‌اند، درخواست پناهندگی خود را به سازمان ملل متحد ارسال کرده‌اند که اکثرا از اتباع افغانستان، اریتره، سوریه و سومالی هستند.

کشورهای سوریه با میزان ۴.۹ میلیون نفر، افغانستان با ۲.۷ میلیون و سومالی با ۱.۱ پناهنده به عنوان بزرگ‌ترین کشورهای پناهنده‌فرست در عرصه جهانی هستند. همچنین کلمبیا با میزان ۶.۹ میلیون، سوریه با ۶.۶ میلیون و عراق با ۴.۴ میلیون نفر آواره داخلی، در صدر جدول کشورهای دارای آوارگان داخلی هستند.

اگرچه در سال ۲۰۱۵ قاره اروپا با ورود خیل عظیمی از پناه‌جویان مواجه شد و ورود بیش از ۱.۲ میلیون مهاجر و پناه‌جو، به مرزهای کشورهای اروپایی به عنوان شوک بزرگی به این قاره قلمداد شد، ولی همچنان بیشترین میزان پناه‌جویان جهان در کشورهای درحال‌توسعه هستند. ۸۶ درصد پناهندگان در کشورهای با درآمد سرانه متوسط و ضعیف و عموما نزدیک به مناطق بحران‌خیز در جهان هستند؛ برای مثال کشور ترکیه در سال ۲۰۱۵ به عنوان بزرگ‌ترین میزبان پناه‌جویان در جهان با آمار ۲.۵ میلیون نفر بوده است. پاکستان با میزبانی ۱.۶ پناهنده در رتبه دوم است.

ادامه در صفحه ۱۷

جدول ۲۶۷۸ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- از تقسیمات کشوری- نوعی بیماری چشمی ۲- خوراکی از تخم‌مرغ- ظرف نگهداری و حمل چیزی- پناهگاه ۳- آخرین زندانی نازی- اصطلاحی در شطرنج- بادها- همدست بی‌دست! ۴- طراحی اولیه- سهل و آسان- رمان مشهور امیل زولا فرانسوی ۵- این بیماری منجر به کاهش آب و املاح بدن می‌شود- آغشته به رنگ- شهری در آلمان ۶- پست و فرومایه- آشپزخانه- از فلاسفه نامی قرن نوزدهم و نویسنده اصول علوم اجتماعی ۷- دستمال- سومین فرمانروای خوارزمشاهی- کشوری در شمال آفریقا ۸- تیر پیکاندار- افسانه‌گو- طلق نسوز- یازده ۹- فرمانده گله گرگ‌ها- خوش‌اندام- هنر ثبت لحظه‌ها ۱۰- چشم‌انداز- باادب- از انجیل‌های معتبر ۱۱- از تیم‌های فوتبال باشگاهی ایتالیا- معجزه ختمیه- کمانچه‌کش فقید موسیقی ایرانی ۱۲- کشور جزیره‌های گرانیتی در شرق آفریقا- خوراک زائو- شهر کردنشین ۱۳- گوشت آذری- آرامگاه- نوشتاری- پیشوند سلب ۱۴- جلادهنده کفش- فاقد بیماری- رادار ۱۵- رمانی مشهور از آگاتا کریستی، بانوی جنایی‌نویس انگلیسی- مقاوم و پر طاقت.

عمودی:

۱- ایشان- شجاع و قوی- بالاترین حد بلندی ۲- خاش و سراوان از شهرهای این استان مرزی کشورمان هستند ۳- زمینه- نیکو روی- شوکت- ویتامین انعقاد خون ۴- خویش‌کاری- مثل آب‌خوردن- سال ۳۶۵ روزه ۵- چسبناک به سبب آلوده‌شدن به ماده قندی و شیرین- دیکته- تقلیدکننده ۶- چیره و غالب- افسار- انحلال معامله ۷- بخش‌ها- دیوار گرداگرد شهر- گوشه‌ها و کرانه‌ها ۸- صدای گوسفند- شجر- خواهش- لنگه در و پنجره ۹- واضح و آشکار- از هفت‌سین نوروزی- نوعی کفش ساقه‌بلند ۱۰- بنده- موتورسیکلت بدون دنده- پارچه نخی ساده ۱۱- همدم- خانه خدا- ماهوت پاک‌کن ۱۲- محوکردن- شماره ساختمان- کوهی مشرف به سنندج ۱۳- نشانه مفعولی- نوزاد- فرماندهان- بله انگلیسی ۱۴- موسیقی‌دان بزرگ و پرآوازه قرن هجدهم آلمان ۱۵- جانور اهلی علفخوار- نژاد ایرانی- شکوه و جلال.

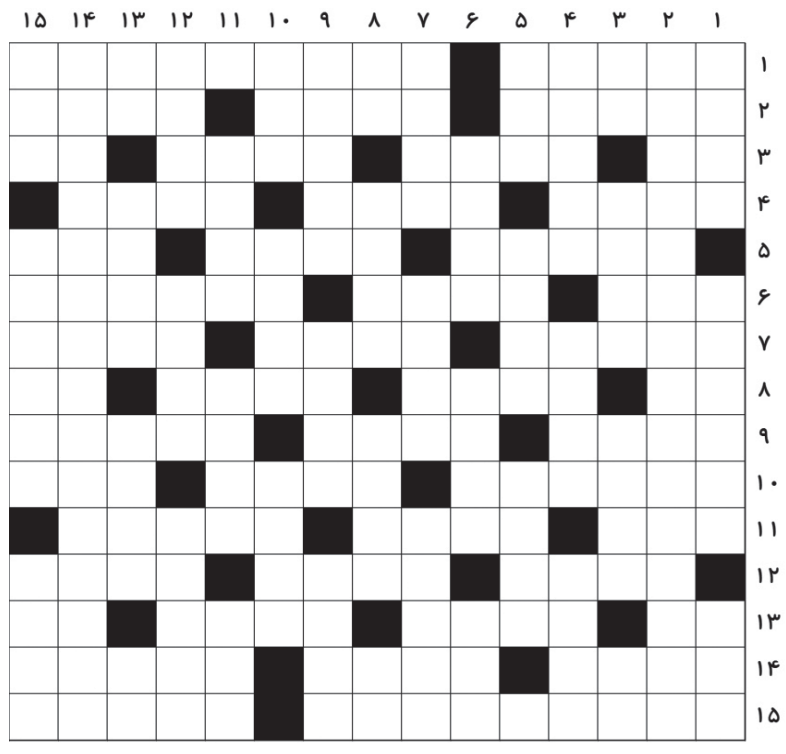

حل سودوکو سخت

۸	۳	۹	۲	۱	۴	۶	۵	۷
۱	۷	۶	۳	۵	۸	۲	۹	۴
۵	۴	۲	۹	۷	۶	۱	۳	۸
۷	۹	۵	۱	۴	۲	۸	۶	۳
۲	۱	۸	۵	۶	۳	۴	۷	۹
۳	۶	۴	۷	۸	۹	۵	۱	۲
۴	۸	۱	۶	۳	۷	۹	۲	۵
۶	۲	۷	۴	۹	۵	۳	۸	۱
۹	۵	۳	۸	۲	۱	۷	۴	۶

حل سودوکو ۱۶۷۴

۵	۳	۶	۹	۸	۲	۱	۷	۴
۲	۷	۸	۱	۳	۴	۹	۵	۶
۱	۹	۴	۵	۶	۷	۸	۲	۳
۳	۸	۹	۲	۷	۵	۴	۶	۱
۴	۱	۲	۶	۹	۳	۵	۸	۷
۶	۵	۷	۸	۴	۱	۳	۹	۲
۷	۲	۱	۳	۵	۹	۶	۴	۸
۸	۴	۵	۷	۱	۶	۲	۳	۹
۹	۶	۳	۴	۲	۸	۷	۱	۵

جدول ۲۶۷۷

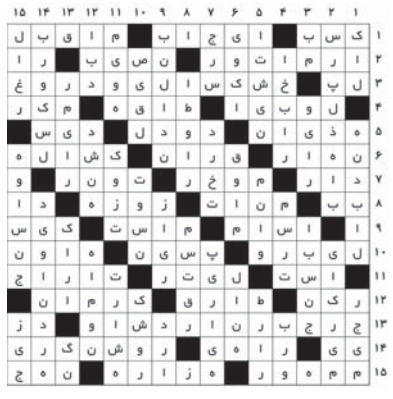

سودوکو سخت ۱۶۷۵

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

	۱	۸					۴	۹
۷	۲	۴		۶				
۶		۹		۴				۲
۱					۵			
		۲	۹					۸
	۸	۷			۶		۳	
		۳			۷			۶
		۱			۴			۳
				۳		۱	۹	

سودوکو ۱۶۷۵

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

		۷	۹		۱			۳
	۳			۶		۲	۱	
		۵	۲			۸		۶
۸			۴				۹	
	۴	۲		۱		۳	۶	۸
	۱				۸	۴		۵
۳				۷			۵	۴
	۷			۳		۹	۸	
			۱	۵	۹	۶		۷